

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست‌وپنجم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

صص ۳۶۹-۳۹۷

راهبردهای پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان با تأکید بر وضعیت‌های مخاطره‌آمیز^۱

صیاد درویشی^۲، بهروز اسدالهی^۳، محمود خوش‌نشان^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

چکیده

زمینه و هدف: وضعیت‌های مخاطره‌آمیز مواردی است که طفل یا نوجوان، در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیتی قرار می‌گیرد. پلیس به‌عنوان محوری‌ترین سازمان درگیر در امر پیشگیری از جرائم، نیازمند آگاهی و اقدام مقتضی در پیشگیری از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان است. پژوهش حاضر درصدد بررسی راهبردهای پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان با تأکید بر این وضعیت‌ها می‌باشد.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، کارکنان واحدهای گشت، فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و واحدهای مشاوره و مددکاری است که براساس فرمول کوکران، تعداد ۱۵۵ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که روایی آن صوری و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۳ تعیین شد و داده‌ها با نرم‌افزار اس. پی. اس. ۲۴ تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد راهبرد حمایتی پلیس با مقدار $t=56/465$ ، راهبرد مشارکتی پلیس با مقدار $t=354/49$ و راهبرد تعاملی پلیس با مقدار $t=52/756$ در سطح معناداری $0/000$ بر پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز تأثیر معناداری دارند. بنابراین انجام مداخلات حمایتی، مشارکتی و تعاملی پلیس موجب کاهش آثار عوامل آسیب‌زا در بزهکاری اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز می‌شود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پلیس می‌تواند با اقدام‌های مانند تربیت و بکارگیری نیروهای متخصص، استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی و پایش تصویری، شناسایی نقاط جرم‌خیز و عوامل خطر، آگاهی بخشی عمومی، استفاده از رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، تقویت پیوند پلیس با مدرسه، ارتقای سطح شناخت اجتماعی و... نقش مهمی در این حوزه ایفا نماید.

واژگان کلیدی: راهبرد، پیشگیری از جرم، بزه‌دیدگی، اطفال و نوجوانان، وضعیت مخاطره‌آمیز.

۱. مقاله برگرفته از پژوهش مستقل است.

۲. دانشیار گروه فرماندهی و مدیریت انتظامی. دانشگاه جامع علوم انتظامی امین. نویسنده مسئول. رایانامه: s49darvishi@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم. دانشگاه جامع علوم انتظامی امین. رایانامه: behrozasadolahi911@gmail.com

۴. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی. دانشگاه جامع علوم انتظامی امین. رایانامه: mh.khoh2019@gmail.com

مقدمه

اطفال و نوجوانان جزء بزه‌دیدگان بالقوه محسوب می‌شوند، زیرا در مقایسه با بقیه گروه‌های سنی بیشتر در معرض خطر بزه‌دیدگی هستند و در عین حال، در صورت بزه‌دیدگی، درجه آسیب‌پذیری آنان به‌ویژه از لحاظ صدمات روحی در مقایسه با سایر گروه‌های سنی بیشتر بوده، به‌نحوی که زندگی آینده آنها را تحت شعاع قرار می‌دهد (صادقی، وروایی و جعفری، ۱۴۰۲). آسیب‌پذیری اطفال و نوجوانان و در معرض خطر قرار گرفتن آنها در کنار سایر آسیب‌های اجتماعی و معضلات نوظهور در جامعه، ضرورت حمایت‌های ویژه کیفری و غیرکیفری از آنان را قوت می‌بخشد (زواره و عزیزی، ۱۳۹۵، ۶).

بزه‌دیدگی در دوران کودکی و نوجوانی یکی از عواملی است که می‌تواند به‌عنوان علت روی‌آوری به بزهکاری در سنین مختلف به‌شمار آید. در حقیقت، تجربه بزه‌دیدگی ممکن است آن‌چنان تأثیری بر کودک و نوجوان بزه‌دیده بگذارد که او را از زندگی هنجارمند دور کند و به ورطه بزهکاری بکشاند (عباچی، ۱۳۸۸، ۳۹۹). نکته‌ای که به آن توجه شایانی نشده است، این است که اگر بزه‌دیدگان زیر چتر حمایتی جامعه قرار نگیرند، شاید تبدیل به بزهکارانی برای خلق بزه‌دیدگان جدید شوند. بزه‌دیدگی در دوران طفولیت و نوجوانی می‌تواند یکی از عوامل بزهکاری باشد و بی‌توجهی به آن، دوری را ایجاد کند که تا همیشه ادامه خواهد یافت (صفاری و ایمانی، ۱۳۹۹، ۱۵۳).

اطفال و نوجوانان به‌دلیل ضعیف بودن در تمام ابعاد جسمی، فکری و روانی، قادر به رفع عوامل خطر از زندگی خویش نیستند و این امر ضرورت جهت‌گیری اقدامات پیشگیرانه و پیش‌کنشی به سمت اطفال را مضاعف می‌کند (مهدوی ثابت و عبدالمهدوی، ۱۳۹۸، ۹). امروزه در کنار اصطلاح «پیشگیری از جرم»، «پیشگیری از بزه‌دیدگی» نیز مطرح است، زیرا بزه‌دیده‌شناسی همانند جرم‌شناسی دارای استقلال نسبی است؛ از این‌رو، پیشگیری از بزه‌دیدگی می‌تواند با تکیه بر داده‌های رشته بزه‌دیده‌شناسی به‌طور مستقل مورد مطالعه

قرار گیرد، اگرچه پیشگیری از بزه‌دیدگی در جهات تحقق هدف اصلی، یعنی پیشگیری از بزهکاری و فی‌الواقع مکمل آن است (کرامتی معز، ۱۳۹۹، ۱۲۷).

بر پایه گزارش‌های آماری مرکز آمار کشور، در سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۲۴/۶۵۱/۶۶۲ نفر معادل ۳۰ درصد جمعیت ایران را افراد کمتر از ۱۸ سال تشکیل می‌دهند (ایرنا، ۱۳۹۹، ۲). نگاهی به آمار بیانگر آن است که این جامعه نیازمند توجه خاص در همه زمینه‌ها، از جمله پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری هستند زیرا چنین جمعیتی با این فراوانی، چنانچه مورد حمایت و مراقبت قرار نگیرند، کجروی و ارتکاب اعمال خلاف قانون را دنبال می‌نمایند، که در آن صورت نمی‌توان اطفال و نوجوانان را تنها معارض قانون یا بزهکار خواند، بلکه باید گفت: آنان در واقع، قربانیان جرم هستند. پیامدهای بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان، طیفی گسترده از مشکلات رفتاری، اختلالات روانی، مشکلات جسمانی، فرار، خودکشی، اعتیاد، سرقت و سایر جرایم را در پی دارد که حاصل این موضوع، مجرمین کم سن و سال و یا به اصطلاح اطفال و نوجوانان بزهکار است که یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن افزایش جرم و جنایت است.

پلیس به لحاظ داشتن اختیارات و ابزار ویژه می‌تواند نقش بسزایی در کاهش بزه‌دیدگی و نرخ وقوع جرایم، خواه پیش از جرم و خواه پس از وقوع آن داشته باشد. با عنایت به نقش پلیس در موضوع فوق به پشتوانه قانون اساسی (بخش اول بند ۵ اصل ۱۵۶) و قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ از جمله ماده ۶ این قانون، وظایف و مأموریت‌ها و نقش پلیس در این موضوع دارای اهمیت بوده و از جایگاه مشخصی برخوردار است و از طرفی پلیس به‌عنوان ضابط عام دادگستری معمولاً اولین نهادی است که بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم به آن مراجعه می‌کنند و بنابراین پلیس در مقایسه با سایر عوامل عدالت کیفری زودتر و بیشتر در جریان بزه‌دیدگی قرار گرفته و با ویژگی‌های شخصی و اجتماعی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و قربانیان جرایم آشنا می‌شود.

نحوه عملکرد و برخورد پلیس با این گروه آسیب‌پذیر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، زیرا سیاست‌های صحیح و کارآمد پلیس تا حدود زیادی می‌تواند از

آسیب به آنان و به تبع آن آینده کشور و همچنین از آثار و تبعات منفی ناشی از بروز بزه‌دیدگی این افراد در جامعه پیشگیری کند و در صورت بی‌توجهی به این موضوع، روند افزایشی بزه‌دیدگی و کاهش میانگین سن بزه‌دیدگی و تکرار این نوع رفتارها در جامعه استمرار خواهد داشت. از این رو ایفای نقش مؤثر پلیس در حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیدگان، امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که راهبردهای پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز چه تأثیری دارد؟

پیشینه و مبانی

ایقانی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی باعنوان «علت‌شناسی و ارائه راهکارهای پیشگیری غیرکیفری از پدیده بزه‌دیدگی اطفال در فضای مجازی»، به این نتیجه رسیده‌اند که بزه‌دیدگی اطفال در فضای مجازی به واسطه بروز دلایلی مانند نبود نظارت والدین بر فعالیت مجازی اطفال، ناکافی بودن فرهنگ‌سازی استفاده از فضای مجازی برای اطفال، ناکافی بودن سیاست‌های مربوط به اوقات فراغت و سرگرمی صحیح اطفال و نبود سیاست‌های بالادستی برای نظارت بر فضای مجازی اطفال شکل می‌گیرد که برای بازدارندگی از بزه‌دیدگی اطفال، باید با اعمال راهکارهای پیشگیری وضعی از طریق محدود کردن دسترسی اطفال، پیش‌بینی سیم کارت مخصوص کودکان، اقدامات پلیس فتا و لزوم تعیین رمز عبور و همچنین اعمال راهکارهای پیشگیری اجتماعی رشدمدار از راه خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها بتوان بخش مهمی از آمار بزه‌دیدگی اطفال در فضای مجازی را کاهش داد.

صفاری و ایمانی (۱۳۹۹)، در پژوهشی باعنوان «تأثیر بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان بر بزه‌کاری و پیشگیری از آن»، به این نتیجه رسیده‌اند که میان بزه‌دیدگی و بزه‌کاری اطفال و نوجوانان رابطه وجود دارد و باید مانع تشدید آسیب‌ها و آثار حاصل از بزه‌دیدگی بر آنها شد.

بختیاری و درویشی (۱۳۹۹)، در تحقیقی باعنوان «آسیب‌شناسی پیشگیری انتظامی از بزه‌دیدگی و بزه‌کاری کودکان خیابانی»، به این نتیجه رسیده‌اند که بین وضعیت موجود

پیشگیری با وضعیت مورد انتظار براساس قواعد و استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک و نوجوانان و فرایند اقدامات پیشگیرانه از جرائم کودکان خیابانی فاصله وجود دارد.

رجبی و همکاران (۱۳۹۹)، در تحقیق خود با عنوان «کارکردهای ترمیمی پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان»، به این نتیجه رسیده‌اند که کارکردهای ترمیمی گشت‌های کلانتری و فوریت‌های ۱۱۰ و واحد مشاوره و مددکاری در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان تأثیر دارد.

عبداللهی و کرامتی معز (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از بی‌توجهی به اطفال در سیاست جنایی ایران»، به این نتیجه رسیده‌اند؛ که آنچه در پیش‌روی راهبرد پیشگیری کیفری، در حوزه حمایت بزه‌دیدگی ناشی از بی‌توجهی به اطفال مهم است، استفاده از سازوکار حقوق کیفری افتراقی به‌صورت ویژه و متفاوت با آنچه در زمینه حمایت کیفری از بزرگسالان وجود دارد؛ است.

شیری و رنامخواستی و بطیاری (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان «پیشگیری از بزه‌دیدگی قلدری کودکان و نوجوانان از مسیر مداخلات مدرسه محور (نگاهی به برنامه SEL)» به این نتیجه رسیده‌اند که مداخلات مدرسه با تمرکز بر برنامه‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی - احساسی می‌تواند از طریق ارتقاء تعامل مثبت و تقویت احساس تعلق به عنوان هسته اصلی این برنامه از قلدری پیشگیری و به همه کسانی که درگیر قلدری هستند، کمک کند.

غلامی، موذن‌زادگان و جمشیدی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «اقدامات پلیس در پیشگیری از وقوع جرایم کودکان و نوجوانان» به این نتیجه رسیده‌اند که پلیس می‌تواند با تعامل و همکاری با سازمان‌ها، نهادها، مدارس، خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان با هدف جامعه‌پذیری و همچنین اقدام در زمینه آموزش و آگاه‌سازی اطفال و نوجوانان به منظور تقویت حس کنترل درونی از وقوع جرائم توسط کودکان و نوجوانان به مقابله جرم اطفال و نوجوانان پردازد.

کاشی و آدابی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل مبانی نظری بزهکاری جنسی ناشی از بزه‌دیدگی دوران کودکی»، بیان می‌کنند؛ حفاظت از اطفال در برابر صدمات و

لطمات و نیز تلاش در جهت اعاده کودکان صدمه دیده به اجتماع و روند معمول زندگی، دوران کودکی امری نیست که تنها با تکیه بر مؤظظه‌های اخلاقی محقق شود؛ از این رو، نگارندگان در قالب دو قسمت نظریات روان‌شناسی جنایی و جامعه‌شناسی جنایی با روش تحلیلی توصیفی به تبیین مبانی نظری بزهکاری جنسی ناشی از بزه‌دیدگی دوران کودکی پرداخته‌اند.

آیزنکوت (۲۰۲۲)، در پژوهشی باعنوان «پیش‌بینی‌پذیری تئوری فعالیت‌های معمول برای قربانی شدن آزار سایبری در بین کودکان و جوانان: عوامل خطر و حفاظتی»، به این نتیجه رسیدند که پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان نیاز به کنترل برخی از فعالیت‌های معمول در بین کودکان از طریق مدارس، محیط و خانواده دارد.

هولمبرگ (۲۰۲۱)، در پژوهش باعنوان «حقوق بزه‌دیدگان: خدمت به بزه‌دیده یا سیستم عدالت کیفری»، نشان می‌دهد که هدف از اعلام گزارش، حمایت پلیس از حقوق بزه‌دیدگان بوده، در حالی که این حقوق همواره رعایت نمی‌شود و در برخی مواقع پلیس بدون در نظر گرفتن حقوق قربانی، تنها قوانین را اجرا می‌کند.

مطالعات بررسی شده، نشان می‌دهد که پژوهش‌های زیادی در رابطه با پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان انجام شده، اما هر کدام از مطالعات از زاویه یک مؤلفه و یا شاخص، حوزه پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان را مورد بررسی قرار داده و تاکنون کمتر به صورت اختصاصی و از نگاه مداخله‌گرانه پلیس و ارائه راهبردهای پیشگیری در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان پرداخته شده است.

پیشگیری از جرم

در مفهوم موسع، انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری از جرم محسوب می‌شود. بر اساس این برداشت انواع تدابیر کیفری و غیر کیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم پیشگیری از جرم است. پیشگیری در مفهوم مضیق خود به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌گردد که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال

مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجب فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد (محمدنسل، ۱۳۹۳). تعریف پیشگیری از جرم از نظر اکبلوم^۱ (۲۰۰۵) عبارت است از: کاهش خطر وقوع و شدت بالقوه جرم و بی‌نظمی از طریق مداخله در علل آن. برابر ماده یک قانون پیشگیری از وقوع جرم (مصوب ۱۳۹۴)، پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن. پیشگیری از جرم از نظر سطوح اقدام، شامل پیشگیری؛ اولین، دومین و سومین می‌باشد. پیشگیری اولین؛ عبارتند از مجموعه اقدامات و شیوه‌هایی که در جهت تغییر شرایط جرم‌زای محیط فیزیکی و اجتماعی انجام می‌گیرد. پیشگیری دومین؛ ناظر به شناسایی و مداخله پیشگیرانه نسبت به گروه یا جمعیتی که در معرض خطر بزهکاری قرار دارند. پیشگیری سومین؛ عبارتند از اقداماتی که از رهگذر اقدامات فردی شده، ناظر به پیشگیری از تکرار جرم می‌باشد (ابراهیمی، ۱۴۰۰، ۵۰).

پیشگیری از جرم دارای تقسیم‌بندی‌های مختلفی است، ولی به‌طور کلی، توسعه یافته‌ترین مدل پیشگیری، پیشگیری رشدمدار در خصوص اطفال و نوجوانان می‌باشد که در قالب مراقبت‌های اجتماعی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی و پیشگیری از جرم اعمال می‌شود. فرآیند نظارت، رصد و گزارش‌دهی آنچنان ساختار یافته می‌باشد که یا جریان تبادل اطلاعات دو جانبه بین افراد ارائه‌کننده خدمات، ناظران آنها و هماهنگ‌کنندگان آنها شکل می‌گیرد (کامپفر، ۲۰۱۲، ۱۷۳).

پیشگیری رشدمدار از بزه‌دیدگی در دو سطح مهم خانوادگی و مدرسه قابل بررسی می‌باشد (شهمیان و زمین پرداز، ۱۳۹۵). مدارس به‌عنوان گسترده‌ترین و مهم‌ترین حوزه اجتماعی حضور کودکان و نوجوانان، بستری مناسبی برای پیشگیری از بزه‌دیدگی آنان در جامعه محسوب می‌شوند (قاسمی پیربلوطی و مرادی، ۱۳۹۸، ۱۵۳).

اطفال و نوجوانان در معرض خطر

هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است، طفل و هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است، نوجوان محسوب می‌گردد (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۹۹/۲/۲۳). اطفال و نوجوانان در معرض خطر کسانی هستند که به دلیل شرایط و اوضاع و احوال خاص رشد جسمانی، عقلانی، اخلاقی و وضعیت‌های اجتماعی به شدت در معرض خطر بزه‌دیدگی یا بزهکاری قرار دارند و چنانچه مداخله مؤثری برای حمایت از آنان صورت نگیرد؛ حسب مورد، بزه‌دیده یا بزهکار خواهند شد (بارانی، ۱۳۹۴، ۱۴). کودکان از این منظر تهدیدی برای خود و جامعه هستند و اقدامات کلی و اختصاصی باید توسط دولت و سایر ذینفعان انجام شود تا تهدید را به مرحله عمل نرسانند (اووبا و همکاران، ۲۰۲۰).

بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در اسناد بین‌المللی و قانون ایران

در اسناد بین‌المللی مختلف مانند کنوانسیون حقوق کودک یا قطعنامه‌های شورای اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد، به موضوع انطباق مقررات دولت‌های عضو با تعهدات بین‌المللی آنها در زمینه پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان پرداخته شده است و حق دسترسی کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر به فرآیند عدالت کیفری به دور از تبعیض نژادی، زبان، جنسیت در ماده ۱۵ اصول راهبردی درباره عدالت برای کودکان (شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد) مصوب سال ۲۰۰۴ به رسمیت شناخته شده است (هدایت، ۱۳۹۶، ۶۶). در سیاست جنایی ایران در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ و همچنین، آیین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۴۰۰ و در سایر مقررات داخلی، موضوع حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده به صورت ویژه مد نظر قرار گرفته است. تحقیقات نیز نشان می‌دهد، بین بزه‌دیدگی و بزهکاری بعدی رابطه وجود دارد (پترسون و همکاران، ۲۰۱۹).

با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب ۱۳۹۹)، تغییرات چشم‌گیری چه از نظر مقررات شکلی و چه از نظر جرم‌انگاری‌ها و مجازات‌ها در جهت حمایت

1 . Owubu and

2 . Peterson and et al

حداکثری از اطفال و نوجوانان صورت گرفته است. تعریف وضعیت مخاطره‌آمیز و مصادیق آن، مکلف نمودن نهادهای حاکمیتی و مقامات مسئول به مداخله در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز در جهت جلوگیری از بزه‌دیدگی یا بزهکاری اطفال و نوجوانان در معرض خطر و پیش‌بینی ضمانت اجرایی، تشکیل دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان در قوه قضاییه و استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، از مهم‌ترین نوآوری‌های این قانون محسوب می‌شوند.

وضعیت‌های مخاطره‌آمیز اطفال و نوجوانان (ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹)

وضعیت مخاطره‌آمیز مواردی است که طفل یا نوجوان در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت یا وضعیت آموزشی قرار می‌گیرد. ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در مقام تبیین وضعیت مخاطره‌آمیز، مصادیقی را به صورت حصری در ۱۴ بند بیان کرده است، که موارد متعددی در قانون مزبور مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و نهادهای حاکمیتی در صورت احراز شرایط وضعیت مخاطره‌آمیز، مکلف به ورود و حمایت از طفل یا نوجوان هستند. این مصادیق عبارتند از:

- الف) بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است؛
- ب) ابتلای هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی؛
- پ) زندانی شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی؛
- ت) ابتلاء هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر و روانگردان یا قمار؛
- ث) قوادی و یا دائر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا توسط هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی و یا اشتهار آنها به فساد اخلاق و فحشا؛

ج) خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر؛

چ) عدم اقدام برای ثبت واقعه ولادت یا عدم اخذ اسناد سجلی یا هویتی برای طفل یا نوجوان بدون عذر موجه؛

ح) بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل؛

خ) طردشدن طفل و نوجوان از سوی خانواده؛

د) کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی؛

ذ) نقض قوانین جزائی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و یا استفاده از آنها در فعالیت‌های مجرمانه، واردشدن یا واردکردن طفل و نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و اعتیاد آنان به موادمخدر، روانگردان یا مشروبات الکلی؛

ر) هرگونه وضعیت زیانبار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابعیتی؛
ز) فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان؛

ژ) سوءرفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او.

وظایف انتظامی در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان:

بر اساس بند ب ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، یکی از نهادهای موظف به حمایت از اطفال و نوجوانان، فراجا است. وظایفی همچون شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز و معرفی آنها به سازمان بهزیستی یا مراجع قضایی و انجام حمایت‌های مورد نیاز، تأمین امنیت مددکاران اجتماعی در انجام وظایف و مأموریت آنها و همچنین اطفال و نوجوانان موضوع مأموریت، گزارش وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و جرایم اطفال و نوجوان بزه‌دیده حسب مورد به مراجع ذیصلاح قضایی و سازمان بهزیستی کشور، که قانون‌گذار اجرای آنها را از طریق تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی کرده است.

بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان

اسناد و شواهد نشان می‌دهند که برخی کودکان و نوجوانان افزون بر اینکه خود بزه‌دیده اند، گاهی نیز قربانی مجرمان حرفه‌ای بزرگ‌سال می‌شوند. معمولاً بزه‌کاران به دنبال افرادی هستند که نتوانند از خود به خوبی دفاع کنند و یا قدرت محاسبه سود و زیان را نداشته باشند و کودکان از این گروه افراد هستند. آنان به دلیل ضعف قوای جسمانی قادر به دفاع از خود در مقابل بزرگسالان نیستند و از سوی دیگر به دلیل ضعف قوای دماغی و ناتوانی در محاسبه منفعت و ضرر، زودتر از دیگران فریب می‌خورند. افزون بر این گاهی کودکان توسط والدین و یا نزدیکان خود مورد سوءرفتار و بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. که انواع بزه‌دیدگی عبارت است از: بزه‌دیدگی جسمانی، بزه‌دیدگی جنسی و بزه‌دیدگی عاطفی و روانی (معظمی، ۱۴۰۰).

عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی اطفال

الف) عوامل فردی: به نظر می‌رسد برخی ویژگی‌های روانی در کودکان بزه‌دیده وجود دارد که احتمال آزار دیدن آنان را نسبت به دیگران افزایش می‌دهد. مطالعات انجام شده، نشان می‌دهد که به‌طور کلی سه گروه کودکان بیش از دیگران در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند: کودکان غیرطبیعی (مشکلات آشکار جسمی و روانی)، کودکان دشوار (در بعضی شرایط دشواری‌های خاصی دارند یا والدینشان آنان را غیرطبیعی می‌دانند)، کودکان طردشده (حاصل بارداری‌های ناخواسته، نامشروع، فرزندخوانده و...)

ب) عوامل اجتماعی: جنبه‌های فرهنگی (اعم از آداب، رسوم، اخلاقیات، اعتقادات و نیز مؤسسات مربوط به تعلیم و تربیت و...)، جنبه‌های اقتصادی (تضاد طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت؛ فقر، درماندگی و تهیدستی؛ بیکاری و قرض؛ تورم، رشد و توسعه صنعت و نوسانات قیمت‌ها و...) مبنای ورود اطفال به سوی بزهکاری می‌دانند. بنابراین یکی از دلایل عمده بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان، عوامل اجتماعی و یکی از آسیب‌های جدی جوامع در حال توسعه، گسترش روز افزون کودکان خیابانی است که

به دلیل گوناگون بخشی یا همه اوقات خود را در خیابان‌ها سپری می‌کنند و به‌طور عمده از راه تکدی، بزهکاری، شغل‌های کاذب و... امرار معاش می‌کنند (امگا، ۲۰۱۹).

ج) عوامل خانوادگی: بحث خانواده از موضوعات اصلی است. از آنجا که خانواده در رشد شخصیتی کودکان نقشی مهم و حیاتی دارد، ایجاد محیطی سالم در خانواده‌ها منجر به وجود آمدن روابطی سالم و متعادل بین اعضای آن از جمله میان والدین و فرزندان خواهد شد (متولی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). خانواده نقش اساسی در بروز بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان دارد، خانواده افزون بر این که موظف به تأمین تغذیه و بهداشت کودکان است، مسئولیت پرورش و تربیت آنها را نیز به عهده دارد.

الگوهای پلیسی مرتبط با پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان

به‌منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان و بهبود حمایت از کودکان در معرض خطر، در کشورهای پیشرفته پلیس با توجه به نوع موقعیتی که در آن قرار دارد از رویکردها و الگوهای زیر استفاده می‌کند:

۱- **الگوی جرم‌شناسی و اکنش اجتماعی:** یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی است که با استفاده از رویکردهای چهارگانه خود با عناوین رویکرد تعامل‌گرا یا برچسب‌زنی، رویکرد جرم‌شناسی سازمانی یا تشکیلاتی (مهندسی جرم)، رویکرد جرم‌شناسی رادیکال و رویکرد جرم‌شناختی بزه‌دیده‌شناختی، تأکید بر این موضوع دارند که تا حد امکان از ورود اطفال و نوجوانان به فرایند دستگاه عدالت کیفری جلوگیری شود. در این نوع جرم‌شناسی، جنبه‌های مختلفی بدین شرح مورد بررسی قرار می‌گیرند: ۱- عمل قانون‌گذاری (جرم‌انگاری و وضع مجازات)؛ ۲- کارکرد نهادهای پلیسی و ضابطین قضایی؛ ۳- کارکرد نهادهای قضایی و ۴- کارکرد نهادهای زندان و چگونگی اجرای مجازات (محمودی، ۱۳۹۷).

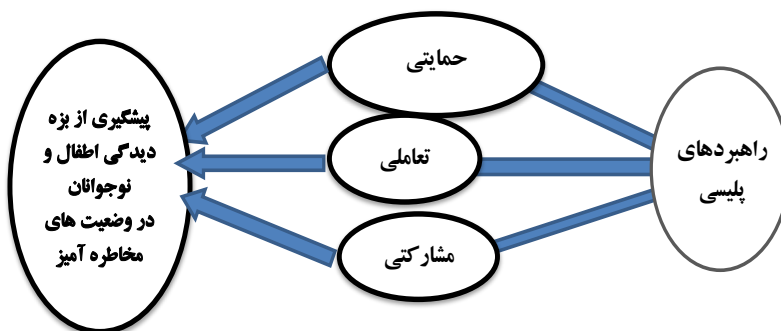
۲- **الگوی عدالت ترمیمی:** این رویکرد از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی در برخی کشورها مانند کانادا و آمریکا رواج یافته است. در این رویکرد، جرم پیش از آنکه نقض قانون جزا تلقی شود، نقض روابط میان فردی و گسستن رابطه انسانی است (زهر، ۱۴۰۰، ۳۵).

این الگو بر ضرورت اتخاذ تدابیر متوازن برای تأمین نیازهای بزه‌دیدگان، توجه به مسئولیت بزهکاران و مشارکت جامعه محلی در فرایند رسیدگی و پاسخ به آثار و نتایج جرائم ارتكابی تأکید می‌کند (غلامی، ۱۳۹۸، ۹۹). تغییر نگرش به‌خصوص در مبحث کودکان و نوجوانان ناقض قانون، به‌دلیل تفاوت‌های اساسی در پنج مقوله احساسی، عاطفی، روحی و روانی، جسمی و عقلانی بیشتر نمایان است و از آنجاکه یکی از اهداف مدنظر در عدالت ترمیمی، جلوگیری از ورود بزهکار و بزه‌دیده به دستگاه عدالت کیفری است؛ لذا به‌نوعی همین افراد که در معرض خطر تکرار بزهکاری یا بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند را مورد حمایت قرار می‌دهد و استفاده از این الگوها توسط پلیس در فرایند رسیدگی به شکل ویژه می‌تواند نتایج مهمی به‌دنبال داشته باشد.

۳- الگوهای رفاه‌گرایی کیفری: این الگو بر ضرورت بازپروری بزهکاران و پیش از آن، اتخاذ رویکردهای حمایت‌گراانه از گروه‌های آسیب‌پذیر و در معرض خطر تأکید می‌کند. این رویکرد که اولین بار به همت کوهن^۱ مطرح شد، بر سیاست‌های مختلفی از قبیل زندان‌زدایی، برخورد نکردن توسط نظام عدالت کیفری رسمی و استفاده از مسیرهای جایگزین به‌منظور دوری از فرایند انگ‌زنی و برچسب‌زنی مجرمانه بر بزهکاری کودکان و نوجوانان تأکید می‌کند (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۴، ۳).

۴- الگوی حداقل مداخله: این الگو متضمن توسل به حقوق کیفری به‌عنوان آخرین وسیله و در حداقل موارد ضروری است. رعایت اصل حداقل مداخله، زمینه توسل به سایر نهادهای اصلاحی - تربیتی و نیز دیگر ابزارهای اجتماعی‌ساز شهروندان را فراهم خواهد نمود؛ زیرا مهارت‌های اجتماعی‌سازی غیر کیفری، جایگزین مناسب‌تری برای ابزارهای کنترل کیفری به‌شمار می‌روند (غلامی، ۱۳۹۸، ۹۷).

1. Cohen



الگوی مفهومی پژوهش

روش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی و به روش پیمایشی انجام شد. پژوهش حاضر با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، منابع موجود در فضای مجازی، مقالات، پژوهش‌های لاتین و فارسی و مطالعه اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق اطفال و نوجوانان و همچنین با روش مطالعه میدانی انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق را کارکنان بخش‌های مرتبط با موضوع پژوهش (واحد مشاوره و مددکاری، دواير قضایی، گشت‌های کلانتری و فوریت‌های پلیسی ۱۱۰)، به تعداد ۲۶۰ نفر تشکیل می‌دهد که اندازه نمونه براساس فرمول کوکران ۱۵۵ نفر برای پاسخ به سوالات پرسشنامه انتخاب و نمونه‌گیری نیز به روش تصادفی طبقه‌ای با ضریب خطا ۰/۰۵ انجام شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، از آزمون t تک نمونه‌ای در بسته نرم‌افزاری اس. پی. اس. پی. ۲۴ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی جمعیت‌شناختی:

نتایج یافته‌های توصیفی ویژگی‌های و اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه آماری در جدول (۱) درج شده است.

جدول ۱. خلاصه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری پژوهش

متغیر	طبقه‌بندی متغیر	فراوانی (نفر)	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۲۵	۸۱
	زن	۳۰	۱۹
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۲۴	۱۵
	۲۶ تا ۳۰ سال	۵۲	۳۴
	۳۱ تا ۳۵ سال	۴۵	۲۹
	۳۶ تا ۴۰ سال	۳۴	۲۲
تحصیلات	دیپلم	۱۸	۱۲
	کاردانی	۴۰	۲۶
	کارشناسی	۶۹	۴۵
	کارشناسی ارشد	۲۸	۱۷
سابقه خدمت	۱۰ تا ۱۵ سال	۵۸	۳۷
	۱۶ تا ۲۰ سال	۴۴	۲۸
	۲۱ تا ۲۵ سال	۳۲	۲۱
	۲۶ تا ۳۰ سال	۲۱	۱۴

(ب) یافته‌های توصیفی داده‌ها:

یافته‌های پژوهش در خصوص نظر پاسخ‌گویان درباره تأثیر راهبردهای پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و در سطح میانگین در جدول (۲) درج شده است.

جدول ۲. راهبردهای پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان

راهبرد	شاخص	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
حمایتی	افزایش مهارت اداری و ارتباطی در مواجهه با اطفال بزه‌دیده	۷۷/۲	۲۱/۸	۱	۰	۰
	بکارگیری پلیس زن	۵۶/۸	۲۵/۴	۱۵/۸	۲	۰
	تربیت نیروهای متخصص	۷۲/۴	۲۰/۵	۶/۱	۱	۰

۰	۱	۳/۱	۳۰/۴	۶۵/۵	استفاده مناسب از سامانه‌های اطلاعاتی و پایش تصویری	
۰	۱	۱۵/۹	۳۰/۶	۵۲/۵	تقویت مراکز مشاوره و مددکاری	
۰	۰	۴/۶	۲۴/۸	۷۰/۶	راه‌اندازی پلیس اطفال	
۰	۰	۲	۱۹/۳	۷۸/۷	شناسایی نقاط جرم‌خیز	
۰	۰	۴/۵	۲۶/۲	۶۹/۳	شناسایی عوامل خطر	
۰	۱	۲/۹	۲۰/۶	۷۵/۵	مداخله زودرس با خنثی کردن عوامل آسیب‌زا	
۰	۲/۸	۱۰/۴	۲۴/۶	۶۲/۲	آگاهی‌بخشی درباره بزه و اثرات آن	تعاملی
۰	۸/۳	۱۷/۷	۱۹/۲	۵۴/۸	آموزش علائم خطر	
۰	۷	۱۶/۲	۲۸/۳	۴۸/۵	استفاده از رسانه‌ها	
۰	۵/۴	۱۸/۳	۲۵/۶	۵۰/۷	راه‌اندازی پلیس مدرسه محور	
۰	۱	۱۱/۲	۴۵/۵	۴۲/۳	تقویت نظارت رسمی	
۰	۲	۱۲/۱	۲۹/۷	۵۶/۲	آموزش و آگاه‌سازی عمومی	
۰	۱	۷	۲۴	۶۸	برگزاری نشست گروهی و خانوادگی	
۰	۰	۴	۳۰/۵	۷۴/۵	معرفی اطفال بزه‌دیده به نهادهای اجتماعی	
۰	۵	۱۷	۲۶/۴	۵۱/۶	تقویت پیوند پلیس با مدرسه	مشارکتی
۰	۲	۴	۶۹/۲	۲۵/۸	همکاری با نهادهای آموزشی، اجتماعی و رسانه‌ها	
۰	۰	۴	۲۵/۵	۷۰/۵	توانمندسازی کودکان	
۰	۱	۷/۵	۲۳/۹	۶۷/۶	شناسایی و اقدامات حمایتی برای کودکان کار	
۰	۱	۳/۱	۶۳/۶	۳۲/۳	اجرای طرح‌های مراقبت محله با همکاری بسیج	
۰	۵	۲۲/۳	۵۴/۵	۲۸/۲	هماهنگی با مددکاران اجتماعی	
۰	۱	۳/۲	۲۶/۲	۶۹/۶	افزایش مهارت زندگی	
۰	۲	۱۰/۲	۳۲/۳	۶۵/۵	ارتقای سطح شناخت اجتماعی	

براساس جدول (۲)، در تمام شاخص‌های مربوط به سه راهبرد، بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌ها اختصاص به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد دارد. بنابراین از نظر نمونه آماری، تمام راهبردهای یاد شده در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز مؤثر هستند.

بررسی نرمال بودن متغیرها: به منظور تأیید نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول (۳) درج شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرها

متغیر	آماره Z	سطح معنی داری
راهبرد حمایتی	۱/۱۴۵	۰/۰۷۲
راهبرد تعاملی	۱/۲۳۵	۰/۰۵۸
راهبرد مشارکتی	۱/۴۳۸	۰/۰۸۴

با توجه به کمتر از ۰/۰۵ بودن سطح معنی داری در تمام متغیرهای جدول (۳)، فرضیه نرمال بودن آنها پذیرفته شد.

ج) یافته‌های استنباطی:

با توجه به نرمال بودن متغیرهای تحقیق از آزمون پارامتریک t تک نمونه‌ای برای سنجش میزان تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته و تعمیم نتایج به کل جامعه استفاده شد، که نتایج به شرح زیر است:

فرضیه ۱: راهبرد حمایتی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز مؤثر است.

جدول ۴. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای درباره تأثیر راهبرد حمایتی

متغیر	میانگین	مقدار تی (T)	درجه آزادی	سطح معنی داری	فاصله اطمینان	
					کران بالا	کران پایین
راهبرد حمایتی	۴/۵۰۲	۵۶/۴۶۵	۱۶۴	۰/۰۰۰	۱/۵۱۸	۱/۶۲۸

در جدول ۴. مقدار تی محاسبه شده ۵۶/۴۶۵ با سطح معنی داری صفر بوده و با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معنی داری از خطای ۰/۰۵ فرضیه صفر مبنی بر متوسط بودن میزان تأثیر رد می‌شود. از طرفی، با توجه به مثبت بودن کرانه‌های پایین و بالای اطمینان، میزان تأثیر بیشتر از متوسط و در سطح زیاد برآورد می‌شود. به عبارت دیگر با اطمینان

۹۵ درصد، از نظر اعضای جامعه آماری، راهبرد حمایتی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز مؤثر است.

فرضیه ۲: راهبرد تعاملی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز مؤثر است.

جدول ۵. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای درباره تأثیر راهبرد تعاملی

فاصله اطمینان		سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار تی (T)	میانگین	متغیر
کران بالا	کران پایین					
۱/۴۴۸	۱/۳۲۵	۰/۰۰۰	۱۶۴	۴۹/۳۵۴	۴/۱۳۲	راهبرد تعاملی

در جدول ۵. مقدار تی محاسبه شده ۴۹/۳۵۴ با سطح معنی داری صفر است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معنی داری از خطای ۰/۰۵ فرضیه صفر مبنی بر متوسط بودن میزان تأثیر رد می‌شود. از طرفی، با توجه به مثبت بودن کرانه‌های پایین و بالای اطمینان، میزان تأثیر بیشتر از متوسط و در سطح زیاد برآورد می‌شود. به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد، از نظر اعضای جامعه آماری، راهبرد تعاملی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز مؤثر است.

فرضیه ۳: راهبرد مشارکتی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز مؤثر است.

جدول ۶. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای درباره تأثیر راهبرد مشارکتی

فاصله اطمینان		سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار تی (T)	میانگین	متغیر
کران بالا	کران پایین					
۱/۵۶۰	۱/۴۵۵	۰/۰۰۰	۱۶۴	۵۲/۷۵۶	۴/۴۵۸	راهبرد مشارکتی

در جدول ۶. مقدار تی محاسبه شده ۵۲/۷۵۶ با سطح معنی داری صفر است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معنی داری از خطای ۰/۰۵ فرضیه صفر مبنی بر متوسط بودن

میزان تأثیر رد می‌شود. از طرفی، با توجه به مثبت بودن کرانه‌های پایین و بالای اطمینان، میزان تأثیر بیشتر از متوسط و در سطح زیاد برآورد می‌شود. به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد، از نظر اعضای جامعه آماری، راهبردهای مشارکتی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز مؤثر است.

رتبه‌بندی اقدامات: برای رتبه‌بندی راهبردهای پلیسی مؤثر بر پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز، از آزمون رتبه‌ای فریدمن استفاده شد. نتایج رتبه‌بندی در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. نتیجه آزمون فریدمن درباره رتبه‌بندی

رتبه	میانگین رتبه‌ای	مؤلفه	سطح معنی داری	آماره مربع کا
۳	۱/۹۶	راهبرد حمایتی	۰/۰۰۰	۴۸/۷۶۲
۲	۲/۳۵	راهبرد تعاملی		
۱	۲/۶۹	راهبرد مشارکتی		

بحث و نتیجه‌گیری

وجود اطفال و نوجوان بزه‌دیده در تمامی نظام‌های کیفی امری غیرقابل انکار است، تفاوت‌های اساسی جسمی، روحی و روانی، احساسی و عاطفی، عقلی و ادراکی بین اطفال و نوجوانان با بزرگسالان و همچنین ضرورت توجه به حمایت، رفاه، رشد متوازن، برآورده کردن نیازها و ادغام مجدد در جامعه، پلیس را در جهت اتخاذ رویکرد متفاوت نسبت به برخورد با این گروه بسیار مهم در جامعه و داشتن مهارت‌های ویژه برای ارتباط و تماس با آنان هدایت می‌کند و بر همین اساس پلیس در این حوزه باید متخصص بوده و با کارکنان آموزش‌دیده و با شناسایی اصول بنیادین وارد شود و تمام اقدامات و سیاست‌ها و تدابیر متخذه با رعایت این اصول عملیاتی و مداخلات صورت گرفته در همین راستا انجام پذیرد.

از طرفی نوع تدابیر و اقداماتی که پلیس در همان مراحل ابتدایی برخورد با بزه‌دیدگان یعنی قبل و یا پس از وقوع جرم انجام می‌دهد، دارای اهمیت فراوانی است. اقدامات علمی و راهبردی پلیس در ارتباط با گروه‌های آسیب‌پذیر اطفال و نوجوانان می‌تواند در هدایت، بازپروری و پیشگیری از انحراف و بزه‌دیدگی مجدد این طیف، اثربخشی بالایی داشته باشد.

به استناد مطالعات انجام شده، اطفال و نوجوانان در بسیاری از موارد، در ابتدا در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز (ماده ۳ قانون حمایت از اطفال) قرار گرفته‌اند و سپس بزه‌دیده شده و یا به بزه‌کاری روی آورده‌اند. ارتکاب رفتارهایی مانند فرار از خانه، فرار از مدرسه، همنشینی با افراد سابقه‌دار، استعمال دخانیات، حضور در اماکن جرم‌زا، داشتن والدین معتاد، کودکان تک‌والدینی و...، که در بسیاری از موارد سبب بروز بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان شده است. بنابراین پلیس به‌عنوان اولین سازمانی که با این‌گونه رفتارها مواجه می‌شود باید با اتخاذ راهبردهای مناسب از بزه‌دیدگی آنان پیشگیری کند.

از جمله راهبردهای پلیس در مواجهه با اطفال و نوجوانان، شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و انجام اقدامات حمایتی، مشارکتی و تعاملی در قبال آنان است. اقدامات حمایتی پلیس، شامل بکارگیری پلیس زن، تربیت نیروهای متخصص، استفاده مناسب از سامانه‌های اطلاعاتی و پایش تصویری، تقویت مراکز مشاوره و مددکاری، راه‌اندازی پلیس اطفال، شناسایی نقاط جرم‌خیز، شناسایی عوامل خطر، مداخله زودرس با خنثی کردن عوامل آسیب‌زا می‌باشد. اقدامات مشارکتی پلیس نیز شامل تقویت پیوند پلیس با مدرسه، همکاری با نهادهای آموزشی، اجتماعی و رسانه‌ها، توانمندسازی کودکان، شناسایی و اقدامات حمایتی برای کودکان کار، اجرای طرح‌های مراقبت محله با همکاری بسیج، هماهنگی با مددکاران اجتماعی، افزایش مهارت زندگی، ارتقای سطح شناخت اجتماعی است. اقدامات تعاملی نیز شامل آگاهی‌بخشی درباره بزه و اثرات آن، آموزش علائم خطر، استفاده از رسانه‌ها، راه‌اندازی پلیس مدرسه‌محور، تقویت نظارت رسمی و غیررسمی، آموزش و آگاه‌سازی عمومی، برگزاری نشست گروهی و خانوادگی و معرفی اطفال بزه‌دیده به نهادهای اجتماعی می‌باشد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آزمون فرضیه اول حاکی از اثرگذاری راهبرد حمایتی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز است که با نتایج پژوهش رجبی و همکاران (۱۳۹۹)، عبدالهی و کرامتی معز (۱۳۹۷) و هولمبرگ (۲۰۲۱) هم‌سویی دارد. نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان از تأثیرگذاری راهبرد تعاملی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز است و نتایج آزمون فرضیه سوم نیز نشان از اثرگذاری راهبرد مشارکتی در پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز است که نتیجه به‌دست آمده در فرضیه دوم و سوم با نتایج پژوهش ایقانی و همکاران (۱۴۰۱)، صفاری و ایمانی (۱۳۹۹) و آیزنکوت (۲۰۲۲) مشابهت دارد.

دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پلیس به‌عنوان کسانی که بیش از سایر متخصصان نظام عدالت جنایی با اطفال و نوجوانان در معرض خطر تماس و ارتباط داشته، نقش مهم و برجسته‌ای در پیشگیری از بزه‌دیدگی دارد و می‌تواند از طریق تغییر رویکرد و تعامل و مشارکت با نهادها و سازمان‌های ذیربط، اقدام به‌موقع از جمله شناسایی، معرفی، پذیرش و حمایت از آنان را از طریق نهادهای متولی عملیاتی کرد که گامی مؤثر در جهت حمایت همه‌جانبه از این گروه آسیب‌پذیر قلم‌داد و زمینه و بستر بزه‌دیدگی را از بین می‌برد و موجب کاهش تراکم پرونده‌ها، کاهش هزینه‌های بزه‌دیده (در ابعاد فردی، خانوادگی و سازمان‌های مرتبط و جامعه)، فراهم شدن زمینه برای تسریع باز اجتماعی شدن، حفظ حقوق بزه‌دیده، اعاده نظم به جامعه و... شود.

پیشنهاد‌های کاربردی

- پیش‌بینی و تمرکز سامانه آماری پلیس برای شناسایی کودکان در معرض خطر و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه.
- آموزش ویژه کارکنان پلیس در خصوص برخورد با کودکان بزه‌دیده.
- تدوین شیوه‌نامه تعامل پلیس با مددکاران اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد حامی کودکان.

- بکارگیری پلیس زن در فرایند شناسایی و تحقیقات مقدماتی و... در ارتباط با کودکان بزه‌دیده.
- تعیین و ابلاغ شیوه‌های رفتار کارکنان پلیس با کودکان بزه‌دیده.
- استفاده حداکثری از سیاست عدالت ترمیمی در جرایم خرد و قابل گذشت با افزایش اختیارات پلیس.
- افزایش مهارت ارتباطی، ادراکی و فنی کارکنان در ارتباط با اطفال و نوجوانان بزه‌دیده.
- تدوین و اجرای برنامه‌های پلیس محله‌محور با تأکید بر تمرکز و افزایش اقدامات پیش‌کنشی پلیس از طریق اشراف اطلاعاتی و پیش‌بینی پدیده‌های جرم‌زا در محلات.
- بهره‌گیری از ظرفیت پایش تصویری و بانک‌های اطلاعاتی سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای ایجاد آگاهی از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز اطفال و نوجوان.
- استفاده از ظرفیت‌های دانشگاهی و جامعه‌شناسان بیرون سازمانی و همکاری با آنها در جهت تقویت بُنه علمی و عملی پیشگیری از جرم اطفال و نوجوانان.
- استفاده از ظرفیت سایر نهادها از جمله بسیج، اجرای طرح‌های مراقبت محله؛ در راستای پاکسازی محلات و مقابله با امکان دسترسی به تسهیل‌کننده‌های جرم، برخورد با خرده فرهنگ‌های بزهکاری و بی‌نظمی‌های اجتماعی و فیزیکی؛
- تسریع در تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان.
- تقویت مراکز مشاوره پلیس برای ارائه خدمات به کودکان بزه‌دیده و بزهکار.
- هم‌سو کردن و جلب افکار عمومی جامعه از راه فوریت‌های پلیسی، پلیس فتا، معاونت اجتماعی و... در همکاری با پلیس برای اقدامات پیشگیرانه از جرم.
- تقویت پیوند پلیس با مدرسه، برای آموزش فنون مقاوم شدن کودکان در برابر جرم.
- همکاری با نهادهای آموزشی و اجتماعی برای شناسایی و انجام اقدامات حمایتی برای کودکان کار.
- برگزاری نشست‌های مشترک گروهی و خانوادگی و جلسات توجیهی به‌منظور حمایت از کودکان و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز با پلیس.

- بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین ابزار آگاه‌سازی و آرایه برنامه‌های پیشگیرانه به‌صورت مستمر، هوشمندانه، جذاب و به شیوه‌های متفاوت برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی.

سپاسگزاری

نویسندگان این مقاله، از تمام کسانی که در انجام این پژوهش ما را یاری رسانند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

منابع

۱. ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۰). جرم‌شناسی پیشگیری، چاپ پنجم، بنیاد حقوقی میزان.
۲. ایقانی، مصطفی؛ زهروی، رضا؛ میری، حسین؛ اسمعیلی، علی اکبر. (۱۴۰۱). علت‌شناسی و ارائه راهکارهای پیشگیری غیرکیفری از پدیده بزه‌دیدگی اطفال در فضای مجازی. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۷(۶۴)، ۲۱۶-۱۹۹.
doi: 10.22034/cps.2022.1268237.1464
۳. ایرنا. (۱۳۹۹). ۱۵ میلیون دانش‌آموز ایرانی در ۱۱۰ هزار مدرسه تحصیل می‌کنند. کد خبری: ۸۴۰۸۴۰۵۶.
<https://www.irna.ir/news/84084056/%DB%B1%DB%B5>
۴. بارانی، محمد. (۱۳۹۴). شیوه‌های رفتاری پلیس با کودکان و نوجوانان. چاپ اول. انتشارات معاونت تربیت و آموزش فراجا.
۵. بختیاری، لطفعلی؛ درویشی، صیاد. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی پیشگیری انتظامی از بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان خیابانی. نشریه علمی مطالعات راهبردی فراجا، ۵(۱۷)، ص ۲۵-۶۰.
doi: 20.1001.1.25381946.1399.5.17.2.0
۶. رجبی، ابراهیم؛ امینی، ایمان؛ محمدی، حسین و محمدولی، مجید. (۱۳۹۹). کارکردهای ترمیمی پلیس در پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان. نشریه رهیافت پیشگیری، ۳(۳)، ۹۲-۶۵.
https://www.jcpa.ir/article_244357
۷. زواره، صالح؛ عزیزی، پوریا. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر اجتماعی و خانوادگی در بزهکاری اطفال و راهکارهای پیشگیری از آن. فصلنامه دانش انتظامی پلیس پایتخت. ۳(۳)، ۴۸-۳۳.

http://tehran.jrl.police.ir/article_14865.html

۸. زهر، هوارد. (۱۴۰۰). کتاب کوچک عدالت ترمیمی. ترجمه حسین غلامی. چاپ سوم. نشر مجد.

۹. شیری و رنامخواستی، عباس؛ بطیاری، عاطفه. (۱۳۹۷). پیشگیری از بزه‌دیدگی قلدری کودکان و نوجوانان از مسیر مداخلات مدرسه محور (نگاهی به برنامه‌های SEL). نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴۸(۲)، ۳۵۶-۳۳۵.

doi: 10.22059/jqclcs.2019.70814

۱۰. شهیمان، مرجان؛ زمین‌پرداز، مصطفی. (۱۳۹۵). بررسی نقش روابط خانواده بر فرهنگ‌پذیری کودکان و نوجوانان، دومین همایش ملی رسانه، ارتباطات و

<https://www.symposia.ir/MCCE02>. تهران. آموزش‌های شهروندی،

۱۱. صادقی، محمدحسین؛ وروایی، اکبر؛ جعفری، محمدجواد. (۱۴۰۲). پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در سیاست جنایی با تأکید بر پیشگیری‌های سه‌گانه. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. ۱۸(۶۶)، ۲۲-۱.

doi: 10.22034/cps.2022.203186.1129

۱۲. صفاری، علی؛ ایمانی، مهنوش. (۱۳۹۹). تأثیر بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان بر بزهکاری و پیشگیری از آن. فصلنامه رهیافت از جرم، ۳(۲)، ۱۷۸-۱۵۱.

<http://ensani.ir/file/download/article/1637486775-10483-1400-76.pdf>

۱۳. عباچی، مریم. (۱۳۸۸). پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر کودکان با تأکید بر نقش پلیس، مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم، به کوشش: گروهی از اساتید، مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

۱۴. عبدالهی، سامان؛ کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۷). پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از بی‌توجهی به اطفال در سیاست جنایی ایران. نشریه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳(۴۶)،

http://cps.jrl.police.ir/article_19230.html. ۱۰۵-۱۱۹

۱۵. غلامی، حسین، موذن‌زادگان، حسنعلی و جمشیدی، مسلم. (۱۳۹۶). اقدامات پلیس در پیشگیری از وقوع جرایم کودکان و نوجوانان. نشریه انتظام اجتماعی، ۱۰(۲)، ۱۷۲-۱۴۹.

http://sopra.jrl.police.ir/article_94581.html

۱۶. غلامی، حسین. (۱۳۹۸). عدالت ترمیمی. چاپ هشتم. نشر سمت.

۱۷. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان. (۱۳۹۹). روزنامه رسمی کشور. شماره ۲۸۷۵۳، مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۲. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1554444>

۱۸. قاسمی پیربلوطی، اکبر. (۱۳۹۸). تعامل پیشگیرانه پلیس و مدارس؛ زمینه‌های ایجاب، راهکارهای تحقق. *نشریه آموزش در علوم انتظامی*، ۷(۲۶)، ۲۱۲-۱۶۹. http://tps.jrl.police.ir/article_93243.html

۱۹. کاشی، سمیرا؛ آدابی، حمیدرضا. (۱۳۹۶). *راهکارهای پیشگیری غیرکیفری از بزهکاری جنسی ناشی از بزه‌دیدگی دوران کودکی*. کرج: همایش ملی پیشگیری از جرم در قلمرو مطالعات حقوق کیفری، علوم اجتماعی و انتظامی.

۲۰. کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۹). *بزه‌دیدگی‌شناسی کودکان در شبکه‌های مجازی*. چاپ اول. انتشارات دادگستر.

۲۱. متولی‌زاده نایینی، نفسیه؛ مالجو، محسن؛ ایروانیان، امیر. (۱۳۹۵). *کودک‌آزاری از علت‌شناسی تا پاسخ دهی*. چاپ سوم. نشر خرسندی.

۲۲. محمدنسل، غلامرضا. (۱۳۹۳). *کلیات پیشگیری از جرم*، چاپ اول، نشر میزان.

۲۳. معظمی، شهلا. (۱۴۰۰). *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، چاپ چهاردهم، نشر دادگستر.

۲۴. مؤذن زادگان، حسنعلی؛ جوادی، حسین. (۱۳۹۴). الزامات و سازوکارهای تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان (مطالعه تطبیقی: حقوق آمریکا). *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*.

https://jclc.sdil.ac.ir/article_42311.html . ۴۸-۵ (۵)

۲۵. محمودی، مرضیه؛ میلانی، علیرضا (۱۳۹۷). *نگاهی بر مکتب واکنش اجتماعی*. دومین همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی.

۲۶. مهدوی ثابت، محمدعلی؛ عبدالهی، سامان. (۱۳۹۸). *سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه اطفال*. فصلنامه *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۴(۵۱)، ۳۳-۹.

http://cps.jrl.police.ir/article_91224.html

۲۷. هدایت، هدیه. (۱۳۹۶). *آیین دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده*. نشر میزان.

28. Aizenkot, D. (2022). The predictability of routine activity theory for cyberbullying victimization among children and youth: Risk and protective factors. *Journal of interpersonal violence*, 37(13-14), NP11857-NP11882.

<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0886260521997433>

29. Ekblom, p. (2005). *Designing products against Crime*, in N. Tilley (ed), *Handbook of Crime prevention and Community Safety*,. Cullompton: willan.
30. Holmberg, Lars, Victoria Johansen, Louise, Helene, Ida (2021). *Victims' rights: serving victims or the criminal justice system? An empirical study on victims of violent crime and their experiences with the Danish police*, Asmussen Faculty of Law, University of Copenhagen, Copenhagen, Denmark.
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01924036.2020.1719525>
31. Kumpfer K . L., Xie J., O'Driscoll R. (2012). *Effectiveness of a culturally adapted strengthening families program 12–16 years for high-risk Irish families*. *Child and Youth Care Forum*, 41(2), 173 – 195. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10566-011-9168-0>
32. Omega, K. (2019). *Healthcare challenges faced by street children on the street of Bungoma Town Bungoma County, Kenya*. <http://erepository.kibu.ac.ke/handle/123456789/1898>
33. Owobu, A., Ibadin, M. O., Ofovwe, G. E., & Abiodun, P. O. (2020). *Prevalence, profile and effects of adolescent street children in Benin City, Nigeria*. *Annals of Biomedical Sciences*, 19(1), 86-98.
<https://www.ajol.info/index.php/abs/article/view/193758>
34. Peterson, J., DeHart, D., & Wright, E. (2019). *Examining the impact of victimization on girls' delinquency: A study of direct and indirect effects*. *International journal of environmental research and public health*, 16(11), 1873.
<https://www.dpi.com/1660-4601/16/11/1873>